

## انگیزه های جنبش و شورشگری در هرات

از تماس و معاشرت با مردم هرات برمی آید که در این ولایت تاریخی اقوام گوناگون، تپه‌های متنوع و گروه‌های اجتماعی و صنفی با شخصیتها و کرکترهای متفاوت زندگی می کنند. علت این تنوع را می بایست در خصوصیت بندری و اختلاط های قومی، یورشهای طوایف از بیرون، ساختار مرکب اقتصادی و اجتماعی شهری و دهاتی و تبدلات و ترکیبات جمعیتی و فرهنگی بر محور عمومی فرهنگ و مدنیت خراسانی این ولا در آستانه گذار به جامعه مدنی جستجو کرد.

پس از فروپاشی امپراتوری تیموریان، طی سده های اخیر نوعی ساختار و بافت مختلط در اثر ترکیب نظام کهن دهقانی، عناصر کلاسیک جامع شهری و برخی عنعنات طوایف مهاجم پشتون در زیر چتر فراخ فرهنگ و مدنیت به انحطاط کشیده شد خراسانی هرات شکل گرفت. در پایانه این دوره نظام مرکب نامبرده بر محور فرهنگ و مدنیت خراسانی هرات و زبان دری با لهجه هراتی می رفت تا در هیئت جامعه مدنی شخصیت تاریخی خود را متبازر سازد که جنگ درازدامن و حوادث اخیر بر سر راه آن موانع متعددی خلق کرد.

در پروسه درازدامن تغییر و تحولات تاریخی، در سه دهه اخیر (خاصه پس از کودتای ثور) مهاجرتهای گسترده داخلی و بیرون مرزی ترکیب و بافت نفوس این ولایت را دستخوش تغییر و تبدلات متنوع کرد. بیشتر تحصیلکردگان، فرهنگیان، تجار، اعیان و متنفذین مجبور به ترک هرات گردیده و در کشورهای خارج خاصه در مملکت ایران مهاجر شدند.

فشارهای سده های اخیر به اضافه اختناق و فشار دوره جنگ، ستم، تبعیض و استبداد طالبان، بحران، نا امنی و اختطافات جاری از یک جانب، دلهره از انتحاری های پاکستانی و فشارهای روحی و تحقیرآمیز دوره مهاجرت در ایران از جانب دیگر مردم هرات را ضربات روانی شدید زده است. به آنها فرصت نداده تا با خاطر آرام در احیا و بازسازی فرهنگ و مدنیت تاریخی شان بپردازند.

علاوه بر آن با تشدید خواص محافظه کارانه، تهدید انگزیشهای مذهبی به تحریک خارجیان و جواسیس شان، دوری از مرکز سیاست، بی اعتمادی به دولت مرکزی و حالت «شوله خود را بخور و پرده خود را بکن» از موقعیت محوری و نقش کلیدی مردم هرات در عرصه گاه ملی، بسی کاسته است.

این حس بی اعتمادی و عدم اطمینان به آینده، مهاجران مقیم ایران را خیلی بیشتر از اهالی مقیم هرات آزار می دهد و سبب بحرکت آمدن موج وسیع گریز از فشارهای تحقیرآمیز دوره مهاجرت در ایران و ترس از برگشت به افغانستان شده است. مهاجران در بسا موارد هست و بود خود را می فروشند تا بلکه با عائله خود به جای امن برسند؛ لیکن بی خبر از این که باز در چنگ قاچاقبران بی رحم و عاطفه می افتند و در لابلای ماشین بی احساس و عاطفه فرهنگ و اقتصاد سرمایه داری غرب خرد و خمیر می شوند.

هرویان ساکن هرات نیز در زیر فشارهای نا امنی، فساد شدید دولتی، بی قانونی، آدم ربایی ها و تحریک احساسات مذهبی در جهت شورشگری توسط عوامل خارجی، بسی خسته، دلنگ و مضطرب شده اند. بیشترین شان بدنبال راه نجات می گردند. این احساس سرد و نظرگاه منفی در واقع زاده عدم تعادل روانی، یاس و نا امیددی، تزلزل و بی ثباتی ساختار سیاسی، اقتصادی و حقوقی کشور است.

دولت و نظام حکومتی بعنوان حافظ و نگهدار امنیت و مصونیت های خصوصی و اجتماعی، حقوق و عزت مردم و تأمینگر ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، نه تنها نتوانسته است ابتدایی ترین وظایفش را انجام دهد؛ بلکه دیوار بی اعتمادی را در بین نظام و مردم روز بروز ضخیم تر ساخته است و با اعمال ناموفق تکراری، آخرین امیدهای مردم را به یأس مبدل کرده است.

هرات را در عهد محمدزایی ها جوی طلا و نقره می گفتند. سرقلی ولایت، قوماندانی امنیه، مستوفیت، گمرک و غیره چوکی ها بسیار گران بود. حالا نه تنها همان آس است و همان کاسه؛ بلکه قیمت سرقلی ها بسی افزایش یافته و بار فساد و رشوه کمر مردم را شکسته است.

از این زشت تر، بقول اهالی برخی از رده های قوه اجرائیه با باندهای تبهکار شریک اند و از گسترش اعمال خلاف کسب سود می کنند. بیشترین مسئولان و کارمندان قوای قضائیه و اجرائیه از آنان رشوه می گیرند. مردم می گویند که برخی از این نا آرامی ها، آدم ربایی ها و نا امنی ها در هرات جنبه سیاسی دارد و از بالا هدایت می شود.

در هرات روابط قومی و قبیله ای از هم گسسته است. قوم مسلطی وجود ندارد. نظام عرفی و سنتی در جریان جنگ توسط قوماندانهای مسلح و ملیشه ها از یک طرف و ذریعه طالبان از طرف دیگر ضربات کاری خورده است. دولت

کنونی اتحاد و هم آهنگی محلی هراتی ها را که بر محور توسعه صلح، سازندگی و بازسازی براه افتاده بود، بشکل آگاهانه و مغرضانه فروپاشانید و بجای آن نا امنی، بحران، آدم ربایی، اختلافات مذهبی و نفاق گسترش یافت؛ همسایگان و قوای خارجی هم بطور سیاستمدانه از آن استقبال کردند.

تجلی ارزشهای بنیادین و اهمیت ستراتیژیک هرات در گرهگاه آسیای میانه و جنوب آسیا به طبع همسایه های ما خوش نمی آید. ثبات یابی و استقرار پایدار امنیت در هرات اهمیت ثوق الجیشی این ولایت را متباز می سازد؛ موضوع عبور پاپلین گاز، پروژه بند سلما، خطوط ترانزیت و دیگر پروژه های عمده اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جایگاه ستراتیژیک هرات را در منطقه تثبیت می کند.

به این سبب دستهای نفاق انداز و تفرقه افکن از آستین بیرون شده و جنگ سنی و شیعه براه می اندازند. هدف اصلی آنها برهم زدن صلح و امنیت و جلوگیری از رشد و توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هرات می باشد. اگر به تاریخ نگاه کنیم در می بینیم که این سیاست کهنه و قدیمی دیر زمانی است که مردم هریوای باستان را آزار می دهد.

در هرات انگیزشهای مذهبی تاهنوز می تواند به تحریک خارجیان و مهره های گوش بفرمان شان اتحاد، همدلی و زندگی آرام و صلح آمیز مردم را تهدید کند. پس از تشکیل حکومت صفوی در ایران و درازدانی رقابتی خونین شیعیان و حکام صفویه، ما همواره ناظر اختلافات شیعه و سنی بر مبنا تحریکات سیاسی و ایدئولوژیکی حکام و حامیان آنها در هرات بوده ایم.

حالا این اختلافات بر محور مثلث رقابتی حاد سیاسی و ایدئولوژیکی منطقوی که بر مبنای منافع اقتصادی، سیاسی و اهداف ستراتیژیک پاکستان، عربستان سعودی و ایران پیش برده می شود، بسی گرم شده است. طرفهای درگیر و رقیب منطقوی و بین المللی در اشکال نهان و آشکار از این انگیزه های مذهبی مردم استفاده های بس متنوع می کنند.

در عهد امیر عبدالرحمان خان با اهل تشیع رفتار دوگانه شد. نخست آنها آزادی اجرای مراسم مذهبی داشتند؛ اما بزودی این آزادی بکلی از اهل تشیع گرفته شد. در دوره اخیر کشورهای خارجی بخصوص سران پاکستان، ایران و عربستان سعودی در جهت حفظ، نگهداشت و مشتعل سازی انگیزه های اختلاف برانگیز مذهبی سرمایه گذاری زیادی کردند.

آنها برای گرم نگهاری بستر و زمینه های اختلافات مذهبی، افرادی را تربیه و به خدمت گماشته اند. مساجد، مدارس و دیگر نهادهای اجتماعی و مذهبی را تمویل می کنند. هدف آنها خدمت به اسلام نیست؛ بلکه اختلاف افکنی در بین امت اسلامی و برادران دینی سنی و شیعه در هرات می باشد. ایشان در واقع می خواهند بمب ها و بشکه های مواد انفجاری را در جاهای مناسب جابجا کنند تا در موقع لازم انفلاق و انفجار بوجود آورند. چنانکه در روز عاشورای سال ۱۳۶۶ خورشیدی ما شاهد این حادثه ناگوار بودیم.

برای خنثی سازی دسیسه های آشکار و پنهان بیرونی باید سطح آگاهی مردم ارتقا یابد؛ ظرفیتهای درک، تحمل و پذیرش همدیگر در بین اهل سنت و اهل تشیع گشایش پیدا کند؛ عقل و دانش جایگزین تعصبات کور و اختلافات نابجای مذهبی شود؛ منافع ملی و میهنی بر مبنای اهداف عمومی و مردمی در نظر گرفته شود. لازم است تا همه انرژی ها در راه تأمین امنیت، استقرار عدالت و قانون، رشد و ترقی کشور و توسعه بنیادی ساختار جامعه مدنی تمرکز یابد.

جای آه و افسوس است که گفتار غرض آلود شخص و اشخاص وابسته به خارجیان بتواند در بین مردم سنی و شیعه اختلاف ایجاد نماید. ما باید این نقطه ضعف را هرچه زود تر با تبلیغ و ترویج مؤثر در بین مردم و کار وسیع فرهنگی رفع کنیم. ورنه خارجیان به آسانی می توانند توسط مهره های وابسته و عمال خود مردم را به جان هم اندازند و آتش جنگهای مذهبی را مشتعل سازند که مثال بارز آن واقعه روز جمعه ۱۸ سنبله سال ۱۳۹۰ خورشیدی در شهر هرات می باشد.

کنش و جاذبه هائیکه می توانند در بین مردم هرات اتحاد، همبستگی، شور و دل زندگی خلق کنند، همان عناصر مثبت جامعه مدنی، امنیت و مصونیتهای اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی، بازسازی و نوسازی، رشد و انکشاف تجارت، زراعت، باغداری و مالداری و فراهم سازی زمینه، فرصت و آزادی های کافی برای رشد و شکوفایی فرهنگ و مدنیت تاریخی این خطه باستانی می باشند.

پایان

رسول پویان ۱۳۹۰/۰۶/۲۰

